

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ اکتوبر ۲۰۲۰

"عبدالله" توبه نامه داده، قشقه اش را تازه کرد!

۱

پنجشنبه- ۱۷ میزان ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به تذکراتی مختصر در باب مسافرت اخیر

"عبدالله عبدالمود" به هندوستان و توبه نامه ای که "عبدالمود" حین مسافرت داد، جلب می نمایم. اما قبل از آن:

۱- علی رغم آن که به گفته رسانه ها مسافرت "عبدالله عبدالمود" به هندوستان نظر به دعوت صدراعظم آن کشور، "ناریندرا مودی" که یک تن از بنیادگرایان هندوایزم و یک تن از فاشیست‌ها آن کشور به شمار رفته، در قطار جنایتکارانی چون "گلبدین"، "اردوخان"، "ترمپ" و بقیه بنیادگرایان فاشیست به شمار می رود، صورت گرفته بود؛ برخورد سرد و تحقیر آمیز دولت هند با مهمان شان، چنان خارج از عرف دیپلماتیک بود که حتی برای سه روز از این مهمان بی ارزش به جز هتل داران و یکی دو تن از کارمندان دونه پایه وزارت خارجه هند، کس دیگری خبری هم نگرفت که آیا زنده است و یا مرده.

"عبدالمود" که گذشته از مودگرایی از برکت یک عمر تربیت استخباراتی و فعالیتش در عرصه دیپلماسی متوجه این تحقیر شده بود، کاملاً حوصله به خرج داده همان "دال و چپاتی" مقرر را غنیمت شمرده بدون آن که کمترین اعتراضی از جانب خود نشان دهد، از دو راهی که عزت نفسش را حفظ نموده برگردد و یا تحقیرها را به جان خریده با دادن توبه نامه، درب ارباب را بر روی خود باز گذارد، دومی را برگزیده، در همانجا صبر کرد، تا "مودی" وی را احضار نماید.

۲- آنچه بر "عبدالمود" گذشته هرچند برای ما افغانها که زمانی زمامداران هند از شنیدن نام زمامداران افغانستان، شهر را آذین می بستند و دربها را بر روی آنها می کشوند، سخت و ناگوار تمام می شود، مگر باید این واقعیت را بپذیریم که آدمک های امروز هرچند با نام و ماسک افغان اینطرف و آنطرف مسافرت می نمایند، اما در واقعیت امر همه کس من جمله زمامداران کشور های دور و نزدیک نیز می دانند که آنها هیچ ارتباطی با مردم افغانستان و تاریخ افغانستان ندارند، آنها نوکران خود فروخته غرب و شرق اند که ضمن فروش خود، می خواهند نام و اقتدار کشور ما را نیز به فروش برسانند.

به عبارت دیگر، ما به همان سان که نباید پذیرائی شاهانه پاکستان از "عبدالمود" را افتخار خود بدانیم، برخورد تحقیر آمیز هندوستان را نیز نباید اهانت به خود تلقی نمائیم، زیرا برخورد آنها با مردم افغانستان نه، بلکه با یک نوکر و جیره خوار امپریالیسم و ارتجاع می باشد.

۳- برخوردی که در هندوستان با "عبدالمود" صورت گرفت، هرچند جهت تنبیه شخص "عبدالمود" سازماندهی شده بود، مگر از یک بعد دیگر تنها به وی محدود نمی گردد، بلکه این سرنوشت تمام آنهایی است که در خدمت بیگانگان قرار دارند. چنانچه عین واقعه با "الکاظمی" نخست وزیر عراق نیز حین مسافرت به عربستان سعودی اتفاق افتد. یعنی وقتی "الکاظمی" می خواست نخستین سفر خارجی اش را از عربستان آغاز نماید، با یک پتکه آخوند های ایران، به بهانه کرونا مسافرت بدانجا را ملغا اعلام داشته، فردایش عازم ایران گردید تا دل ارباب قدرت را در آنجا به دست بیاورد.

همان طوری که در یادداشت روز گذشته نیز نگاشتیم، استفاده از تضاد های درونی کشور متخاصم یک چیز است و همزمان سواری بر روی دو زین چیز دیگر.

یعنی به همان میزان که استفاده موفقانه از تضادهای داخلی کشور های متخاصم در کنار هنر و ورزیدگی مسلکی به اصل اتکاء به نیروی خود و داشتن و پیروی از مشی مستقل ملی و انقلابی نیازمند است و فقط در پرتو برخورداری و تکیه بر چنین مشی امکان استفاده سالم و موفق از تضاد های درونی دیگران وجود دارد، در مورد دوم که همزمان سواری بر دو اسب تربیت شده است، با یک اشاره یکی از طرفین و اتخاذ مسیر مخالف، نتیجه ای جز دوپاره شدن سوار کار به ارمغان نخواهد آورد مگر این که از خیر یکی از زینها بگذرد. یعنی توبه نموده تعهد ورزد که دیگر بر دوزین سواری نخواهد کرد، و این همان کاری بود که "عبدالمود" انجام داد.

ادامه دارد